



سایت جامع آثار فمینیستی

**www.daadaar.com**

نام مقاله	سنگسار در زمان غیبت جایز نیست!
نویسنده مقاله	مامد متقی
تعداد صفحه	۴
تاریخ تمریر	۱۳۸۵/۰۸/۱۷
نام سایت	میدان
آدرس url	<a href="http://meydaan.net/showarticle.aspx?arid=73&amp;cid=46">http://meydaan.net/showarticle.aspx?arid=73&amp;cid=46</a>

## قابل توجه کمپین قانون بی‌سنگسار: سنگسار در زمان غیبت جایز نیست!

دیروز متن خبر و دادخواست کمپین قانون بی‌سنگسار را خواندم. حرکت خوبی است اما از جهاتی تاسف خوردم. وقتی اسلامی را مرور می‌کنی در هیأت مشاوران این کمپین ۴ حقوقدان یا استاد دانشگاه در رشته حقوق، در شبکه وکلای داوطلب حداقل شش وکیل که وکالت تعدادی از محکومین به سنگسار را بر عهده دارند و تعداد زیادی از امضاکنندگان اولیه این کمپین را حقوقدانان تشکیل می‌دهند. اگر نگوییم همه، بیشتر این حقوقدانان و وکلا نیز در ایران زندگی می‌کنند یا حداقل تا این اواخر اینجا بوده‌اند. فکر می‌کنم با قوانین، نحوه قانونگذاری و شیوه تأیید آن توسط شورای نگهبان تا چگونگی اجرا و مجریان که دستگاه قضایی و زیرمجموعه‌های آن باشند آگاهی کامل داشته باشند. اما همه خبر را که پیگیری می‌کنی احساس می‌کنی که افرادی از کُرآت دیگر آمده‌اند و نسخه‌ای برای ما پیچیده‌اند. نه از توجه به اصل ۴ قانون اساسی خبری است که می‌گوید: "کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد." نه توجه به قانون‌گذاری که بر صندلی مجلس تکیه زده‌اند دارند که با توسل به حقوق بشر صرف، بعید بتوان آنها را راضی کرد و در صورتی که راضی شوند و قانونی تصویب کنند شورای نگهبانی را فراموش کرده‌اند که قوانین را بر طبق موازین اسلامی می‌سنجد نه موازین حقوق بشری.

جدای از این موارد این کمپین برای به ثمر رساندن هدف حق خود نیاز به همراهی افکار عمومی دارد، برگزار کنندگان این کمپین نیز با توجه به اینکه تمام تحصیل کرده‌اند بعید به نظر می‌رسد جامعه ما را نشناسند و ندانند که چگونه به آب خوردنی با چند جمله همه دستاوردها و بسیاری از حامیان آنها بر باد می‌رود. جملاتی چون "برگزار کنندگان این کمپین با تحریک خارجی به مبارزه با اصول مسلم اسلام آمده‌اند تا خون شهیدان را بر باد دهند" آنگاه می‌بینی که راهپیمایی‌هایی برگزار خواهد شد که تعداد مخالفان از تعداد موافقان افزون خواهد شد و این یعنی یک شکست فاحش.

همه می‌دانیم که بیشتر مردم ایران یا مذهبی‌اند یا تمایلات مذهبی دارند یا هنوز آموزه‌های مذهبی را فراموش نکرده‌اند. بسیاری از آنها از حقوق بشر چیزی نمی‌دانند یا بر اثر تبلیغات نادرست گذشته حقوق بشر را "لولویی" می‌دانند که باید دین‌شان را در مقابل آن حفظ کنند. بسیاری از این افراد

کمترین آشنایی با حقوق بشر ندارند. پس این افراد نه تنها با کمپین همراه نمی‌شوند که بر علیه آن جبهه‌گیری خواهند کرد.

بر طبق نظر برخی فقها از ۲۰۰ سال پیش تا کنون اجرای حدود از جمله سنگسار را در زمان غیبت جایز نمی‌دانند و اجرای آن را فقط مختص زمان حضور پیامبر و ائمه معصومین می‌دانند. حداقل در این بازه زمانی میرزای قمی در ۲۰۰ سال پیش و آیت الله صانعی در زمان حال بر این نکته تأکید داشته‌اند. همه آنها مجتهد و فقیه و مرجع تقلیدند و نظر آنها حجت شرعی محسوب می‌شود. پس دینداران هم می‌توانند به سنگسار معترض باشند و به کمپین ملحق شوند و به جهنم هم نروند برای این حرکت انسان دوستانه‌شان. در صورتی که بر این امر هم در اطلاعیه‌های کمپین تأکید شود و هم در دادخواست آن، می‌توان امید داشت در مملکتی که همه چیزش اول از دایره شرع باید بگذرد قانون توقف سنگسار تصویب شود و توسط شورای نگهبان تأیید شده و اجرا شود. حداقل با این استناد فقهی سنگسار محکومان به آن متوقف شده اجرا نشود. ضمن آنکه با تنوع در ادله دادخواست کمپین حامیان خود را از میان تفکرات و اعتقادات مختلف بگیرد.

این نظر آیت الله صانعی هم جالب است: "هیچگاه در تاریخ اتفاق نیفتاده و نمی‌افتد که چهار تا شاهد، البته نه چهار شاهد عادی، بلکه چهار مرجع تقلید یا چهار نماز شب خوان واقعی پیدا شوند که شهادت دهند دیده‌اند فلان زن با فلان مرد آمیزش کرده است. البته نگاه کردن این شاهد‌ها هم حرام است، بنابراین چگونه ممکن است چنین شهودی یافت شوند."

این هم یکی دیگر: "به نظر برخی از عالمان و بزرگان دینی ما مثل میرزای قمی که در ۲۰۰ سال پیش می‌زیسته و آیت الله سید احمد خوانساری، اجرای مجازات اعدام مربوط به زمان حضور امام مهدی موعود (عج) می‌باشد و اکنون مجازات اعدام نباید اجرا شود. از طرف دیگر مبنای بسیاری از فقها و بنده این است که آیین دادرسی این گونه جرم‌ها (زنا و حکم سنگسار و...) به گونه‌ای است که عملاً در مقام اثبات واقع نمی‌شود و اکثراً شاید نتواند ثابت شود تا مجازات اعدام اعمال شود.

علت نیز آیین دادرسی خاص آن است که: ۱. تعیین کرده در مورد زنا، چهار نفر که همه مردم به خوبی آنان را می‌شناسند و به عدالت آنان باور

دارند دقیقاً ببینند که مردی با زن شوهر دار و یا مرد زن دار با زنی دیگر آمیزش می کنند و خودِ عملِ آمیزش را نیز ببینند و هر چهار نفر نیز به محکمه آمده و شهادت بدهند.

۲. اینکه خود مجرم بر اساس وجدان دینی خود به چنین جرمی اقرار کند. این اقرار نیز باید تا چهار مرتبه ادامه یابد و در ۳ دفعه اول او را رها می کنند و مجازاتی در کار نیست.

می بینید که نه راه اول در زمان ما امکان تحقق دارد و نه راه دوم. بنابراین آیین دادرسی به هیچ وجه مُحَقَّق نمی شود و روشی که ما ارائه دادیم اشکال را از ریشه حل می کند. اضافه کنم که اقرار در زندان هیچ اعتبار و فایده ای ندارد."

این هم گفتگو با یکی از نزدیکان آیت الله صانعی که پارسال پس از استفتاء در همین زمینه برای باز شدن بیشتر قضیه کردم، متأسفانه رسانه ها به این استفتاء کم توجه بودند : " مسلم صانعی گفت : بر طبق آخرین استفتاء صورت گرفته از آیت الله صانعی، ایشان نظر داده که می توان در کشورهای اسلامی به نظر مرحوم میرزای قمی که یکی از علمای بزرگ بوده عمل نمود که بر طبق این نظر اجرای حدود از جمله سنگسار (رجم)، قطع ید، حدِ مُحارَب، شلاق زدن (جلد زنا) و... در زمان غیبت محل تامل و توقف است و باید به جای آن تعزیر نمود."